

یک فعال صنفی:

۷۰درصد درآمد کارگر صرف اجاره بها می شود

یک فعال صنفی گفت:افزایش نرخ اجاره بها، کارگران شهری را به قربانیان اصلی فقر تبدیل کرده است.محمدرضا تاجیک در گفت وگوباتسنیم درپارووضعیت کارگران در تأمین هزینه‌های مسکن گفت:متأسفانهبخش عمده‌ای درآمد کارگران به‌طورمستقیم صرف اجاره بهامی‌شود؛طوری که حدود ۷۰درصددرآمدماهانه یک کارگر، پیش از هر هزینه دیگری، روانه جیب‌وموچری‌شودوبرای خانواده‌ای که روی کاغذحقوق دریافت می‌کند، عملاًچیزی برای زندگی باقی نمی‌ماند. وی ادامه داد: وقتی ۷۰درصد درآمد صرف اجاره می‌شود، حتی یک‌ماه تأخیر در پرداخت دستمزد یا یک روز اخراج، می‌تواند به بی‌خانمانی بینجامد. ما شاهدیم همکاری که به دلیل بدهی اجاره، آواره حاشیه شهر شده‌اند یامجبور شده‌اند فرزندانشان را از مدرسه خارج کنند؛این دیگر نه معیشت‌ناست و نه شان آسانی تاجیک هشدار داد: کارگری که برای اجاره خانه چرخ می‌زند، نه امکان پس‌انداز درودنه آینده‌ای برای فرزندش می‌بیند؛بی‌توجهی سیاست گذار به این معضل، به‌مرور به بحران اجتماعی بی‌پایان گشت منجر خواهد شد. وی با اشاره به اینکه با توجه به وعده وزارت کار منظر به روزرسانی دستمزد ده‌سپتم، گفت: تا یک‌هفته می‌گویند تورم کاهش می‌شود، پس معاش خوار کارگری به چشم‌نمی‌خورد؛افزایش اقلام وسبدمعیشت خلوار این قدر زیادست که کارگران از همه‌جانب خودمی‌زنند؛تا بتوانند امرامعاش کنند.

■ ■ ■

ادامه تجمع بازنستگان مخبرات در چند استان



روز دوشنبه (۶مهرماه) جمعی از بازنشتگان مخبرات، در ادامه تجمع‌های هفتگی خود، در استان‌های مختلف از جمله اصفهان، کرمانشاه و کردستان تجمع کردند و بار دیگر خواستار رسیدگی به مطالبات قانونی، معیشتی و رفاهی خود شدند. به گزارش ایلنا، اجرای آیین نامه اجرای رأی ۹۲۳۵ دیوان عدالت اداری، متناسب‌سازی حقوق مطابق قانون، پرداخت مطالبات معوق چندین ساله و برخورداری از بیمه تکمیلی مناسب بدون فرانشیز، از جمله مطالباتی است که بازنشتگان مخبرات در تجمع‌های خود بر آنها تأکید دارند. آنها همچنین خواستار تعیین تکلیف تعهدات رفاهی و حقوقی مرتبط با دوران بازنشستگی هستند. بازنشتگان معترض همچنین نسبت به عملکرد دس‌هام‌داران ارشد شرکت مخبرات اعتراض دارند و خواستار پاسخگویی و رسیدگی به مطالبات ومشکلاتی هستند که به گفته آنها همچنان تعیین تکلیف نشده‌است.

■ ■ ■

نیروهای بخش خدمات بیمار ستانی گلستان ابر از خواستار شدند؛

شفاف‌سازی در خصوص زمان پرداخت معوقات و مطالبات سنواتی

نیروهای شرکتی بخش خدمات بیمار ستانی در استان گلستان، با ابراز نگرانی از روند پرداخت حقوق و دریافتی‌های خود، خواستار شفاف‌سازی در مورد کاهش مبالغ دریافتی و معوقات طولانی مدت شدند. به گزارش ایلنا، کارکنان خدماتی علوم پزشکی گلستان اعلام کردند که تغییر در مبنای محاسبه دستمزد در روزانه و کاهش مبالغ پرداختی، در کنار تأخیرهای مکرر در پرداخت اضافه کار و کارانه، فشار اقتصادی مضاعفی بر آنها وارد کرده‌است. براساس گفته‌های این کارکنان، بخشی از کارهای آنها از مهرماه سال گذشته پرداخت نشده و مطالبات مربوط به شرکت پیمانکار پیشین نیز هنوز تعیین تکلیف نشده‌است. این نیروها با مطالبه گری از مسئولان مربوطه، خواستار شفاف‌سازی درباره دلیل کاهش حقوق و ارائه جدول مشخصی برای زمان پرداخت معوقات و مطالبات سنواتی خود هستند. آنها تأکید دارند که عدم شفافیت در محاسبه حقوق و تأخیر در پرداخت مزایای مرزی، امنیت معیشتی آنها را به شدت تحت تأثیر قرار داده‌است.

■ ■ ■

تجمع کارگران شفارود مقابل استانداری گیلان



کارگران شافل و بازنشته عضو تعاونی مسکن شرکت جنگل‌های شقارود تالش، در اعتراض به بلاتکلیفی اراضی واگذار شده در منطقه ساحلی ستگچین، مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بیش از ۲۰۰ کارگر شافل و بازنشته، شنبه شرکت جنگل‌های شقارود تالش در استان گیلان که از سال ۱۳۷۲ به‌امید خانه‌دار شدن باخیزید زمین از این شرکت، سند مالکیت دریافت کرده‌اند، همچنان از دسترسی به اراضی خود محروم هستند. این کارگران تأکید دارند که با وجود صدور رأی قضایی خلعید در سال ۱۳۸۸، این حکم تاکنون اجرا نشده و زمین‌های مورد نظر به تصرف دیگران درآمده است. تجمع کنندگان با اشاره به اینکه طی چندین دهه پیگیری‌های مالدوم، بی‌رونده این زمین‌ها همچنان بلاتکلیفی روبروست، خواستار رسیدگی فوری مسئولان، شفافیت در روند پرونده و اجرای کامل قوانین برای تحویل اراضی به صاحبان اصلی آنها شدند.

■ ■ ■

جرایم حق بیمه اردیبهشت ماه ۱۴۰۵ کارگاه‌ها اصلاح می شود

روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی از اصلاح جرایم حق بیمه اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ کارگاه‌ها در پی بروز اختلال در شبکه بانکی خبر داد. روابط عمومی این سازمان اعلام کرد: کارگاه‌های حائز شرایط که لیست حق بیمه اردیبهشت سال جاری را در مهلت مقرر در ماده (۳۹) قانون تأمین اجتماعی در سامانه سازمان، بارگزاری وی‌پس از رفع اختلال سامانه‌های بانک‌های ملی، تجارت‌صادرات و توسعه صادرات نسبت به پرداخت حق بیمه مربوطه تا پایان تیرماه اقدام کرده‌اند، مشمول اصلاح جرایم مرتبط خواهند شد. همچنین کارگاه‌هایی که مبالغ حق بیمه آنان از سوی بانک‌های مذکور پس از انقضای مهلت قانونی به حساب سازمان وارز شده‌است، نیز مشمول این اصلاح خواهند شد. بنابراین در ارتباط با حق بیمه کارگاه‌های اشاره شده در اردیبهشت سال جاری، صرفاً اصل حق بیمه محاسبه و وصول خواهد شد.

گلیتا حسین پور اصفهانی

در حاشیه تار یک بازار کار ایران، گروهی از کارگران نه با قراردادهای رسمی، نه با پوشش بیمه و نه با امید به حقوق ثابت، بلکه با تقلا برای یافتن کار روزانه و جست‌وجوی سرپناهی موقت، زنده‌مانی می‌کنند. گروه کثیری از این کارگران برای تأمین نان شب، مجبور به مهاجرت می‌شوند. مهاجرت در این شرایط غمبار، محرومیت را تشدید می‌کند.

برای بخشی از این طبقه کارگر غیر رسمی که حالا اغلب به سنین سالمندی رسیده‌اند، مفاهیمی چون «بازنشستگی» و «آسودگی» به واژگانی بی‌معنا تبدیل شده است. اقتصاد نابرابر، آنها را از چرخه حمایت‌های اجتماعی طرد کرده و سالمندی‌شان را با بی‌خانمانی، گرسنگی و حذف تدریجی اقلام ضروری از سفره عجین کرده اما تبعات این بی‌ثباتی و پراکنگ تنها به حاشیه‌های پایتخت محدود نمی‌ماند. بار اصلی بازتولید فقر در خانواده‌های فرو دست، مستقیماً بر دوش زنانی آوار می‌شود که در روستاهای دور افتاده، هم‌زمان با مدیریت کمبودها، چشم انتظار نان آروانی هستند که در خیابان‌های تهران به دنبال نان خشک و خالی می‌گردند.

برای درک بیشتر اوضاع مهاجران پایتخت، راهی خیابان‌های جنوب شهر شدم. در ورودی یکی از مناطق کم‌برخوردار جنوب تهران، شش پیرمرد کارگر روی زمین خاکی نشست‌اند. سه نفر سکوت کرده‌اند، دو نفر از تجربه زندگی‌شان می‌گویند و نفر دیگر با تأییدهای گاه‌وبیگاه، همراهی‌شان می‌کند. روایت‌هایشان از یک رنج مشترک خبر می‌دهد: زندگی مردانی که از مناطق محروم و روستاهای مرزی برای پیدا کردن کار به تهران آمده‌اند اما سهم‌شان از ثروت پایتخت، نه شغل پایدار و سرپناه، که خوابیدن در یکی از پانه‌های مسافربری جنوب تهران و یک کوله‌پشتی پر از نان خشک بوده‌است. در این روایت‌ها، فقر فقط عدد و رقم نیست؛ فقر خود را در ناتوانی در خرید یک جفت کفش، حسرت خرید شیر، فقدان بیمه و شرم سنگینی نشان می‌دهد که یک کارگر را از تماس تلفنی با خانواده‌اش باز می‌دارد.

کوله‌پشتی قرمزی که تمام دنیای یک کارگر است

در میان این شش پیرمرد، مردی حدوداً ۶۰ ساله با چهره‌ای شکسته‌تر از سن واقعی، جلب توجه می‌کند. بیشتر دندان‌های جلوی دهانش ریخته و آثار سسال‌ها کار پدی روی دست‌هایش پیداست.



شش ماه پیش، برای چندمین بار در عمر کاری خود، از یکی از روستاهای مرزی به امید پیدا کردن لقمه‌ای نان به پایتخت آمده‌ام؛ در این مدت نه کار ثابتی یافته و نه سرپناهی دست‌وپا کرده‌ام. روزها خیابان‌های شهر را متر می‌کنند تا شاید کار کارگری پیدا شود و شب‌ها به ترمینال جنوب پناه می‌برد. زپ کوله‌پشتی قرمز و چرک‌مرده‌اش را که باز می‌کند، تمام دارایی زندگی‌اش نمایان می‌شود: کیسه‌ای نان خشک که تنها اندوخته و خوراک اوست. خانواده‌اش تصور می‌کنند او در تهران مشغول کار است و شرم ناشی از دست خالی، آن قدر سنگین است که مانع ارتباط او با خانواده‌اش شده‌است. می‌گوید: «زن و بچه‌ام خیال می‌کنند اینجا کار

خرد پوشاک نداشته‌است. خودش می‌گوید دو سال است توانسته حتی یک جفت کفش یا شلوار بخرد و حتی نمی‌تواند به خرید لباس ن فکر کند. فشار معیشتی در روایت او پیش از هر چیز در سفره دیده می‌شود. گوشت و مرغ مدت‌هاست جایی در غذای او ندارند و حالا حتی خرید شیر

نیز به کالایی دست‌نیافتنی تبدیل شده‌است. از افزایش قیمت شیر از ۳۰ هزار به ۱۲۰ هزار تومان می‌گوید؛ توری که خرید یکی از ساده‌ترین و ضروری‌ترین اقلام غذایی را برای کارگران روزمزد غیرممکن کرده‌است.

او که از مناطق محروم مرزی آمده، به تلخی از سرنوشت مردانی می‌گوید که در روزهای سختی، از آنها به عنوان نیروهای حاضر در خط مقدم یاد

toseeirani.ir

روزگار سخت مهاجران جویای شغل در حاشیه تار یک بازار کار تهران

وقتی مهاجرت، پایان بی‌پناهی نیست



می‌شد اما امروز سهم‌شان از زندگی به بیکاری و بی‌خانمانی رسیده‌است.

زنچیره فقر از خیابان‌های پایتخت تا نازان روستا

روایت این شش پیرمرد کارگر، صرفاً داستان چند بی‌خانمان در گوشه‌ای از تهران نیست؛ تصویری است از بخشی از نیروی کاری که سال‌ها در پایین‌ترین لایه‌های بازار کار فعالیت کرده اما در نهایت از بسیاری از سازوکارهای حمایت اجتماعی، بیمه و تأمین دوران سالمندی بی‌بهره مانده‌است. پشت این بی‌خانمانی، مجموعه‌ای از عوامل به هم پیوسته قرار دارد؛ از توسعه نامتوازن و تمرکز فرصت‌های شغلی و امکانات در پایتخت تا محرومیت مناطق کم‌برخوردار و گسترش اشتغال بی‌ثبات و روزمزدی. در چنین شرایطی، نبود بیمه و حقوق بازنشستگی، به معنای از دست رفتن حداقل امنیت اقتصادی کارگر در سال‌های سالمندی است.

پیماد این وضعیت نیز به خود کارگر محدود نمی‌ماند. وقتی درآمد خانواده ناپایدار است و پشتوانه‌ای برای دوران بیکاری یا سالمندی وجود ندارد، بار تأمین زندگی به دوش اعضای دیگر خانواده منتقل می‌شود؛ بار مضاعفی که در خانواده‌های فرو دست، اغلب بر دوش زنان قرار می‌گیرد. زنان در چنین شرایطی، علاوه بر مسئولیت مراقبت از فرزندان و مدیریت هزینه‌های خانه، ناچارند بخشی از تبعات بیکاری و بی‌ثباتی اقتصادی همسران خود را نیز تحمل کنند؛ آن‌هم در مناطقی که خود از فرصت‌های شغلی و حمایت‌های اجتماعی کمتری برخوردارند.

در میان همه روایت‌های این شش مرد، تصویر یک کوله‌پشتی قرمز پر از نان خشک شاید بیش از هر چیز دیگری وضعیت را توضیح دهد. مردی که برای پیدا کردن کار به تهران آمده اما پس از

وقتی در آمد خانواده ناپایدار است و پشتوانه‌ای برای دوران بیکاری یا سالمندی وجود ندارد، بار تأمین زندگی به دوش اعضای دیگر خانواده منتقل می‌شود؛ بار مضاعفی که در خانواده‌های فرو دست، اغلب بر دوش زنان قرار می‌گیرد

شماره ۲۲۸۶ / سه‌شنبه ۷ مهر ۱۴۰۵ / ۱۷/ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ / ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۶

از دخترانشان دور هم جمع شده بودند تا ساعتی رادر کنار هم بگذرانند؛ حقی ساده و بدیهی که اگر در سرزمین مادری خود می‌ماندند، احتمالاً از آن محروم می‌بودند. گفت‌وگو از زندگی روزمره آغاز شد و خیلی زود به سفره‌های رسید که کوچک‌تر شده، کاری که دستمزدش پرداخت نشده و خانواده‌ای که میان ترس از بازگشت و دشواری ماندن گرفتار است.

برای خانواده‌های کارگر و مهاجر ساکن در این محدوده، خط فقر با تبعیض و طردشدگی اقتصادی گره خورده‌است. آنها از طرح‌های حمایتی دولتی مانند کالابرگ محرومند و در بازاری رها شده‌اند که تهیه اقلام ضروری در آن به دلیل جنگ و تحریم، روز به روز دشوارتر می‌شود. یکی از این زنان، در حالی که نگرانی از تأمین غذای خانواده در صدایش پیداست، وضعیت را این گونه توصیف می‌کند: «ما کالابرگ نداریم و هیچ حمایتی شامل حال ما نمی‌شود. تازه مجبوریم اقلام خوراکی را گران‌تر از بقیه تهیه کنیم. خرج زندگی هر روز بیشتر می‌شود. با این گرانی‌ها، گوشت و مرغ دیگر به‌طور کامل از سفره ما حذف شده‌است».

وقتی مدرک نداری، حق اعتراض هم نداری

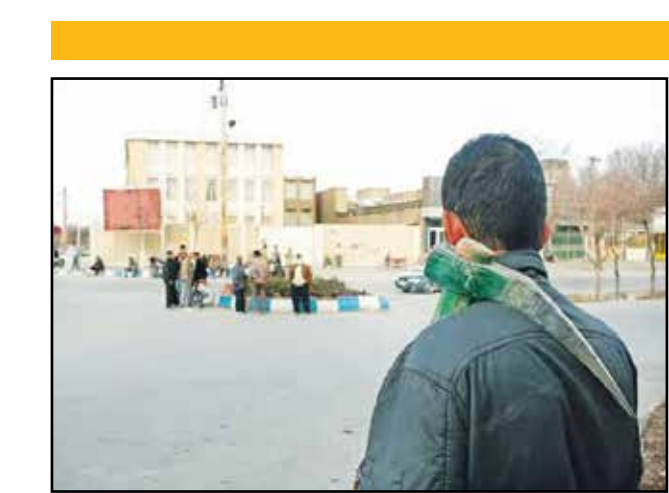
فشار معیشتی بر این زنان فرو دست، تنها به کوچک شدن سفره‌ها محدود نمی‌شود. بخش تار یک‌تر در بازار کار غیر رسمی رقم می‌خورد؛ جایی که همسران، برادران و فرزندان این زنان به عنوان کارگرانی بی‌حقوق، با دستمزدهای معوقه و سوءاستفاده ساختاری کارفرمایان مواجه‌اند. نداشتن مدارک شناسایی و نداشتن قرارداد کتبی، به ابزاری در دست کارفرما بدل شده تا قدرت چانه‌زنی این کارگران را به صفر برساند. یکی از زنان حاضر در جمع، می‌گوید: «پسر و برادرم از پارسال حدود ۲۰۰ میلیون تومان از کارفرمایمان طلبکارند. کار کرده‌اند اما کارفرما دستمزدشان را نداد. حالا که پولمان را خواست‌ایم، کارفرما می‌گوید چون مدرک ندارید، بروید ثابت کنید اینجا کار کرده‌اید! پولی به شما نمی‌دهم و اگر ناراحتید برگردید کشور تا وقتی مدرک نداری، دستت برای شکایت بسته‌تر است. از همین موضوع علیه‌ما استفاده می‌کنند. تصور کنید ۲۰۰ تومان پارسال، حدوداً معادل ۴۰۰ میلیون امسال است اما حتی اصل پول را به ما نمی‌دهند، خسارت بابت تأخیر در پرداخت پیش کشی».

صدای اعتراض از گوشه و کنار این جمع بلند می‌شود. خواسته آنها صدقه یا کمک‌های خیریه نیست. آنها خواستار ابتدایی‌ترین حق یک کارگر یعنی «دستمزد نیروی کار فروخته‌شده» هستند. مهاجرت برای این زنان، انتخابی آزادانه نبوده‌است. آنها از یک ناامنی جانی گریخته‌اند اما در مقصد به چرخه بی‌رحم ناامنی شغلی و اقتصادی پرتاب شده‌اند. با این حال، فاصله میان روایت آنها و روایت آن شش پیرمرد کارگر، آن قدرها هم زیاد نیست.

در هر دو روایت، مهاجرت، پایان بی‌پناهی نیست. مسأله، زندگی گروهی از کارگران است که برای پیدا کردن کار از محل زندگی خود جدا شده‌اند اما در مقصد نیز از حداقل‌های امنیت شغلی و اقتصادی بی‌بهره مانده‌اند. در یک سو، کارگر سالمندی قرار دارد که تمام‌داری‌اش را در کوله‌پشتی قرمز حمل می‌کند و خانواده‌اش هنوز تصور می‌کنند او در تهران کار و باری دارد و در سوی دیگر، زنانی نشسته‌اند که می‌گویند «پول کارمان را می‌خواهیم، نه صدقه» و میان ترس از بازگشت و دشواری ماندن گرفتار شده‌اند.

کارگر روزمزد ایرانی ممکن است بدون بیمه و بازنشستگی به سالمندی برسد و کارگر مهاجر افغانستانی ممکن است حتی برای مطالبه دستمزد خود امکان اعتراض نداشته باشد. در این میان، بار این ناامنی اقتصادی تنها بر دوش خود می‌انهد و به خانواده‌هایی منتقل می‌شود که باید با درآمدهای ناپایدار، تورم و نبود حمایت اجتماعی، زندگی را سرپا نگه دارند.

مهاجرت به تهران که قربانی جنگ و تحریم است لزوماً به معنای رسیدن به زندگی بهتر نیست؛ وقتی کار بی‌ثبات و حمایت اجتماعی غایب باشد و دستمزد به حق مسلم کارگر تبدیل نشود، پایتخت برای مهاجران، شکل دیگری از بی‌پناهی است.



ساختمان جدی گرفته‌شود. این کار علاوه بر کاهش هزینه‌ها، کیفیت ساخت را بالا می‌برد و سرعت اجرای پروژه‌ها را افزایش می‌دهد.

تشکیل جلسه داده و براساس بند ۱۰ مصوبه مزده ۱۴۰۵ دستمزد جامعه کارگری مطابق نرخ تورم فعلی کشور مورد بازنگری قرار می‌گیرد. وی تأکید کرد: جلسه شوهر هفته آینده برگزار و تغییراتی در میزان دستمزد اعمال خواهد شد. این عضو شورای عالی کار با اشاره به ماده ۴۱ قانون کار افزود: در این قانون سخنی از افزایش دستمزد به‌طور سالانه نیامده و این تابلو که براساس عرف شکل گرفته باید شکسته شود. این نماینده جامعه کارگری در شورای عالی کار در پایان گفت: اولویت و فصل الخطاب نمایندگان جامعه کارگری اجرای ماده ۴۱ قانون کار است که تأکید دارد دستمزد باید با توجه به «نرخ تورم» و به‌انداز‌های باشد که «متوسط زندگی یک خانواده» را تأمین کند.

توسعه‌دهنده‌های بازار کار، با تأکید بر اهمیت نوسازی شیوه‌های ساخت‌وساز در استان

اظهار داشت: در گلستان باید استفاده از تکنولوژی‌های نوین و مصالح جدید در صنعت

نماینده جامعه کارگری در شورای عالی کار از تشکیل جلسه

این شورادر هفته آینده خبر داد و گفت: در این جلسه تغییراتی در

میزان دستمزد اعمال خواهد شد.

براساس مصوبه سبصد و چهل و یکمین جلسه شورای عالی

کار، قرار است در نیمه نخست امسال دستمزد جامعه کارگری با

توجه به نرخ تورم مورد بازنگری قرار گیرد. از این رو «بن کارگری»

عضو شورای عالی کار:

هفته آینده بازنگری دستمزد ۱۴۰۵ نهایی می‌شود

بدون افزایش در دستمزد ۱۴۰۵ معادل ۲.۲ میلیون تومان باقی ماند. در این جلسه مقرر شد براساس نرخ تورم کالاهای اساسی و مواد غذایی در ماه‌های ابتدای سال، مبلغ دستمزد در شهر یور ماه تغییر کند. در همین راستا «سعدصالحی» عضو شورای عالی کار در گفت‌وگو با مهر از نهایی شدن دستمزد در جلسه آتی شورای عالی کار خبر داد و عنوان کرد: هفته آینده ششورای عالی کار

نمایند

این شورادر هفته آینده خبر داد و گفت: در این جلسه تغییراتی در

میزان دستمزد اعمال خواهد شد.

براساس مصوبه سبصد و چهل و یکمین جلسه شورای عالی

کار، قرار است در نیمه نخست امسال دستمزد جامعه کارگری با

توجه به نرخ تورم مورد بازنگری قرار گیرد. از این رو «بن کارگری»